

تأثیر معماری ایرانی - اسلامی بر جرائم منافی عفت (با توجه خاص به بانوان)

سمیرا ملک میرزایی^۱، سید سجاد کاظمی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲۰

از صفحه ۸۷ تا ۱۱۱

چکیده

در این پژوهش تأثیر معماری ایرانی اسلامی بر جرائم منافی عفت بررسی شده است^۳ و به سه سوال اصلی: تأثیر معماری ایرانی بر پیشگیری از جرائم منافی عفت علیه زنان و اثر بخشی این نوع معماری به دو نوع این جرائم و تأثیرات آن بر جرائم سازمان یافته‌ی جنسی پاسخ داده شد. با توجه به موضوع که پژوهشی میان رشته ای بود از نظرات معماران و جرم‌شناسان به شکل توصیفی و تحلیلی استفاده شده است، از مقالات و کتب مختلف در این دو حوزه‌ی دانشگاهی نیز استفاده شد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که معماری ایرانی بر پیشگیری از جرائم منافی عفت تأثیری محسوس دارد و کنار گذاشتن فرهنگ و شیوه‌ی ساخت و ساز در معمارهای خودی جرم‌زاست.

عدم توجه به حوزه‌های مختلف سبب شده معماری‌های امروز زنان را به عنوان عرضه در بازار تقاضا در مقابل دیدگان عموم افراد جامعه قرار دهد. عدم رعایت مولفه‌های تأثیرگذار معماری ایرانی می‌تواند سبب رونق گرفتن چشم چرانی و هوسبازی و در نتیجه زمینه جهت ترویج فحشاء و منافی عفت‌ها به طور مستقیم یا غیر مستقیم را فراهم کند.

واژگان کلیدی: جرم، معماری، منافی عفت، پیشگیری، بانوان

۱. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

۲. استادیار گروه حقوق، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران (نویسنده مسئول) Sskazemi92@malayeru.ac.ir

۳. طراحی محیطی فیزیکی و بکارگیری صحیح شاخصه‌های آسایش بصری

مقدمه و بیان مسئله

موقعیت ارتکاب جرم شرایط محیطی، فیزیکی و اجتماعی است که احتمال وقوع حوادث جنایی را تحت تاثیر قرار می‌دهد (دی میت و دیگران^۱، ۱۳۹۱، ۳۴) بیل هیلیر^۲ به بررسی اصلاح مناطق شهری از طریق طراحی شهری پرداخت. وی نظرات خود را در قالب تئوری ترکیب فضا مطرح ساخت. ترکیب فضا، ابزار توضیح دیدگاه‌های اجتماعی در رابطه با روابط بین انسان و استفاده از فضا است. وی بیان داشت که مهم‌ترین عامل در بررسی معماری، ویژگی‌های قابل رویت نمی‌باشد بلکه باید به ویژگی‌ها و تاثیرات طراحی غیر عینی نیز توجه داشت. هیلیر، به تحقیق در رابطه با شکل‌های مختلف خانه سازی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که هریک از این اشکال، دارای ویژگی‌های خاصی را در ارتباط با وقوع جرم دارا می‌باشند (رحمت، ۱۳۹۰: ۱۳۳) در طراحی محیطی ساختمان‌های امروزی نیز انتخاب واژه‌هایی همچون معماری مدرن، پست مدرن و به طور کلی جایگزین کردن معماری‌هایی با سیاق غربی به جای معماری‌های خودی هزینه‌های زیادی را بر کشور تحمیل می‌کند. نگاه جرم‌شناسی امروز به معماری، نشات گرفته از نظریات و تئوری‌های معماران، جرم‌شناسان و... است که عمدتاً به دنبال پیشگیری از جرائم ناشی از نوع معماری می‌باشند. بررسی موضوع حاضر که محیط بتواند عامل بزهکاری باشد عنوانی محدود اما وسیع به خود می‌گیرد. بدین معنا که دیگر عوامل نیز به کمک محیط می‌آیند و می‌توانند زمینه ساز ناهنجاری و بزهکاری باشند، در این میان توجه به دو عامل مهم شخص بزهکار و موقعیت‌های او که این دو در ارتباط با یکدیگر هستند، غیر قابل انکار در ایجاد جرم است. تاثیر محیط بر انسان برای کنش‌های او یک مفهوم عام است که محیط را به انواع مختلف درونی، بیرونی، اجتماعی، خانوادگی، کالبدی، غیر کالبدی و.. تقسیم می‌کند. اما سوال این است که آیا همه‌ی محیط‌ها به خودی خود جرم‌زا هستند؟ چه شکلی از معماری‌های امروز امنیت و آرامش ذهنی (روحی) و جسمی خانواده‌ها به خصوص زنان جامعه را فراهم می‌کند؟

از دهه ۸۰ میلادی، لزوم پرداختن به رابطه "جنسیت و معماری" مطرح شد و به سال ۱۹۹۲ در خلال موج سوم جنبش برابری طلبی زنان^۴، کتاب "جنسیت و فضا" توسط کولومنیاه چاپ شد (کولومنیاه، ۱۹۹۲) ابوغزه^۵ تأثیر محیط‌های ساخته شده بر نحوه ارتباط زنان و مردان و چگونگی مجاورت فضاها با یکدیگر را مطالعه می‌کند (ابوغزه، ۱۹۹۴) امروزه زنان این مسئله را به چالش کشیده‌اند که چه کسی شهرها را توسعه می‌دهد؟ (وکر^۶، ۲۰۰۰: ۲۱۰) به لحاظ تاریخی، معماری و برنامه‌ریزی شهری، فعالیت‌های مردانه تلقی می‌شود و تا

- 1- De Mitt
- 2-Bill hillier
- 3- Space syntax theory
- 4- Feminism
- 5- Colomniya
- 6- Abu-Ghazze
- 7- Wekerle

حدود دهه ۱۹۷۰ برنامهریزی شهری دچار نوعی کوری جنسیتی بوده است. از آن زمان به بعد است که زنان خواستار فضایی برای زندگی روزمره (در حکم موضوعی جنسیتی) با عنوان حق قانونی خود شده اند (برومند و رضایی، ۱۳۹۵: ۵۹) با به وجود آمدن سبک‌های جدید معماری در غرب و ورود این شکل از سبک‌ها به افکار و نگاه معماران ایرانی و متخصصین این حوزه و تلقین به مردم جهت ساخت منازل و فضاهای مختلف خود به شکل و سیاقی جدید سبب شده تا از معماری‌های خودی که متناسب با نیاز مردم جامعه‌ی خود هستیم فاصله بگیریم. احساس عدم نیاز به هم‌فکری و صحبت (ارتباط) بین معماران، جرم‌شناسان و دیگر دانشمندان پیرامون مسئله‌ی امنیت معماری، از جمله چالش‌های اصلی پیرامون جرم‌شناسی معماری به خصوص معماری‌های خودی یعنی معماری ایرانی (اسلامی) است. معماران امروز به دنبال ایجاد یک فضای کالبدی محصور جهت گنجاندن خانواده‌ها بدون توجه به فرهنگ و معیارهای زندگی ایرانی با رویکردی کاملاً مدرن می‌باشند. عواقب و نتایج مثبت یا منفی این رویکرد از بعد معماری، جرم‌شناسی و اجتماعی چه می‌تواند باشد؟ امروزه جامعه‌ی ایرانی به خصوص در حوزه‌ی فضاهای مسکونی علاوه بر آن که با تحمیل هزینه‌های گزاف پیرامون این شکل از معماری‌ها و گسست امنیت روانی و جسمی و تغییر فرهنگ و رویه‌ی خود روبه‌رو است، با از بین رفتن زیرساخت‌های اعتقادی خود همچون حیا، عفت، حریم و... دست و پنجه نرم می‌کند بدون آن که آگاهی به حوزه‌های جرم خیز منافی عفت داشته باشد. بیش‌تر مردم حوزه‌ی عملکردی جرم‌شناسی معماری ایرانی و ارتباط آن با ارتکاب بزه و شکست هنجارهای اجتماعی ناآشنا هستند و هرگاه در صدد آشنایی آن‌ها با این حوزه برمی‌آییم با تعجب ایشان مواجه هستیم.

عفت و حیا ساختار سازنده و تحکیم بخش نظام خانواده در شریعت اسلام بوده و زمانی که قبح چنین اعمالی در جامعه اسلامی ریخته شود به سختی می‌توان در جهت کنترل ناهنجاری موجود گام برداشت (فتح‌الهی و تندر، ۱۳۹۵، ۱۶۳) اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد که در سال ۱۹۴۸ در مجمع عمومی این سازمان به تصویب رسید، از حریم مکانی و ارتباطی در سطح بین‌المللی حمایت می‌کند. به موجب ماده ۱۲ این اعلامیه که به حقوق بنیادی افراد مربوط است، آحاد بشر حق دارند از یک زندگی خصوصی که دور از مزاحمت دیگران باشد بهره‌مند شوند (صفایی، ۱۳۷۰، ۴-۵)

وجود مردان و پسران نیمه برهنه و بالعکس وجود زنان و دختران به این شکل در منزل با امکان دید به منازل اطراف خود و به تبع آن امکان دید برای جنس مخالف به آن‌ها علاوه بر آن که خلاف اصول مسلم ایرانی و اسلامی و عرف جامعه‌ی ایرانی است، خلاف اعلامیه جهانی حقوق بشر و سبب برهم زدن امنیت روانی افراد جامعه و گاهی سبب گرایش آن‌ها به جنس مخالف خود و در نتیجه ترویج جرائم منافی عفت نخواهد شد؟

در بسیاری از کتب غربی در جایی که صحبت از نظارت می‌شود، این راه حل را اشاره می‌کنند که باید خانه‌ها به گونه‌ای طراحی شوند که از بیرون قابل رؤیت باشند (والیس و فورد، ۱۹۸۰). اما آیا این راه حل در جامعه‌ی ایران، که حفظ برخی از حریم‌ها حائز اهمیت است، می‌تواند پاسخ گو باشد؟ در معماری گذشته ایران،

شاهد معماری منازل مسکونی بر حسب اندرونی و بیرونی در منازل مسکونی هستیم (رحمت، ۱۳۹۰، ۱۷۵)

آمارها نشان می‌دهد که علی‌رغم مجازات‌های سنگین برای مرتکبین اعمال منافی عفت، نرخ این جرایم در بین جوانان و بویژه در بین دختران جوان در حال افزایش است (دعاگویان و حبیب زاده ملکی، ۱۳۹۲: ۴۸)

برخی از آزار و اذیت زنان و کودکان ناشی از وضعیت طراحی محیطی و ساخت و سازهای ساختمان و خیابان‌ها می‌باشد. در این خصوص پرونده‌های زیادی در دستگاه قضایی مبنی بر آزار و اذیت جنسی زنان و کودکان مطرح است که بخشی از آن‌ها مربوط می‌شود به طراحی محیطی که مجرمان آن را مساعد برای انجام بزهکاری می‌یابند (میر فردی و رضوی، ۱۳۹۶: ۹۰) جذابیت زنان به دو طریق می‌تواند احتمال بزه دیدگی آنان را افزایش دهد؛ یکی از جهت در دسترس بودن زنان و این که از لحاظ مکانی، قابلیت دسترسی به آماج جذاب فراهم می‌شود (مودن زادگان و صالحی، ۱۳۹۷: ۴۶).

جدای از امنیت در فضای کالبدی مسکونی، باید به بعد روانی این مکان‌ها نیز برای وقوع یک جرم، بزه یا ناهنجاری توجه ویژه نمود. در واقع این دو در راستای شکل‌گیری و وقوع جرم مکمل هم هستند. امنیت در فضاهای مسکونی امروز به تنهایی استفاده از نرده، قرار دادن دوربین مخفی، کنترل سنج‌ها، ایجاد مانع و به طور کلی قابل دفاع نمودن فضاها و ایضا مکان‌های غیر قابل دفاع نیست. در معماری به خصوص معماری ایرانی در کشورمان در بخش منازل باید به آن چه قابل روئیت و گاهی ملموس نیست و می‌تواند زمینه‌ساز جرائم علیه بانوان باشد،^۱ توجه شود. اگر این دو در کنار یکدیگر باشند می‌توان گفت امنیت را در حوزه‌ی معماری ایجاد کرده ایم. معماری ایرانی به کمک شاخصه‌های پیشگیرانه‌ی کالبدی و غیر کالبدی (بخصوص ابعاد روانی) خود می‌تواند در جهت امنیت روحی و جسمی افراد جامعه به خصوص زنان موثر باشد. از سویی باید گفت که آیا قانون‌گذار با تعریف جرائم منافی عفت و ضمانت اجرای شدید توانسته در جهت پیشگیری از اینگونه جرائم آن‌ها را محدود یا مهار کند؟ به نظر می‌رسد ارتکاب جرائم منافی عفت نیازمند نگاه همه‌جانبه و عمیق حقوقی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... بخصوص حوزه‌ی جدید خود یعنی در بخش معماری است.

برخلاف گرایش جدی و متعارفی که در برخی نظام‌های حقوقی از جمله نظام‌های تابع اصل قانونمندی در کشف جرم و تحقیق مجرم وجود دارد، مخفی داشتن و نهان‌سازی جرم روشی است که به عنوان یکی از ساز و کارهای سیاست‌کیفری اسلام مطرح است (یعقوب زاده، ۱۳۹۵: ۱۷) معیار بازدارندگی و سیاست جنایی اسلام در برخورد با بزهکاری متفاوت بوده و در بسیاری از موارد آنچه به عنوان قبح عملی و نظری در افکار عمومی جامعه محسوب می‌شود، مورد حمایت سامانه حقوقی اسلام قرار گرفته و در جهت کاهش میزان بزهکاری در جامعه و بازدارندگی افراد مستعد ارتکاب جرم ترجیح داده از علنی بودن و افشای برخی جرم‌ها جلوگیری به عمل آید (فتح‌الهی و تندر، ۱۳۹۵: ۱۴۸) در جرم‌های منافی عفت، اغلب جنبه‌ی حق‌اللهی جرم بر جنبه خصوصی آن غلبه دارد به همین دلیل در سامانه جنایی اسلام نسبت به جرم‌هایی با این خصوصیت نه تنها بر اثبات جرم تأکید نمی‌شود، بلکه برعکس تلاش می‌شود فرصت اصلاح و توبه برای فرد باقی بماند (قیاسی، ۱۳۸۵: ۳۴۰)

۱- مانند عدم رعایت عنصر ایرانی‌محرمیت در فضاهای مسکونی امروزی که عاملی کالبدی و فیزیکی نیست.

علاوه بر دلایلی که برای بزه پوشی در جرائم منافی عفت وجود دارد می‌توان گفت یکی دیگر از دلایلی که اسلام تاکید بر بزه پوشی دارد این است که به نوعی به دنبال پیشگیری پیش از علاج واقعه توسط دیگر مرتکبان بالقوه‌ی این گونه جرائم است. البته با افشا و پرده برداشتن از این گونه جرائم و اطلاع‌رسانی به همه‌ی آحاد جامعه چیزی نصیب مردم و حتی سیستم عدالت کیفری نخواهد شد، خواهد شد؟ پس به نظر می‌رسد این گونه جرائم نیز نیازمند رسیدگی پیش از ارتکاب آن‌ها هستند. یکی از راه‌های پیشگیرانه‌ی موقعیت مدار در این گونه جرائم توجه خاص به مکان جرم است، عمده جرائم منافی عفت همچون زنا، لواط و... نیازمند به مکان و موقعیت خاص هستند و از آن جایی که زنان ایرانی جزء اقشار مهم و قابل توجه جامعه و خانواده‌ی خود می‌باشند و دارای ویژگی‌های خاصی هستند، معماری ایرانی یکی از عمده‌ترین راه کارهای پیشگیرانه‌ی وضعی منافی عفت‌ها علیه بانوان پیش از ارتکاب جرم است و به عبارتی مانند سیاست کیفری دین مبین اسلام به دنبال علاج واقعه پیش از وقوع آن است. به عبارت بهتر اگر از بعد حقوق کیفری به این پژوهش بنگریم، معماری ایرانی از میان ارکان جرم مانند سیاست کیفری اسلام می‌تواند رکن معنوی جرم را در مجرم بالقوه دچار اختلال نماید و مانع ارتکاب جرائم منافی عفت شود و در نتیجه کشف، تعقیب و پیگیری بسیاری از این گونه جرائم در نطفه مسکوت خواهد ماند.

مقام معظم رهبری نیز به معماری‌های موجود توجه ویژه‌ای دارند، (رعایت الگوی معماری اسلامی جریان بالقوه‌ای است که باید بالفعل شده تاکید رهبری نشان از آگاهی و بینش عمیق معظم له نسبت به تحقق این امر دارد (پورقهرمانی و علیزاده سامع، ۱۳۹۳: ۵).

مبانی نظری

معماری ایرانی: معماری ایرانی لزوماً معماری‌ای نیست که حتماً دهانه‌های آن با گنبد و طاق پوشیده شده و از عناصر گلدسته و رواق و نظایر آن‌ها بهره برده باشد و با کاشی و آئینه‌بندی و مقرنس هم تزیین شده باشد. معماری ایرانی، فقط به معماری مساجد، ابنیه مذهبی، بقاع متبرک و امامزاده‌ها اطلاق نمی‌گردد. معماری ایرانی (اسلامی) آن گونه معماری نیست که فقط در بین ملل مسلمان رایج باشد. لذا معماری دو وجه دارد: ۱- صورت، یا قالب یا نمود ظاهری ۲- معنی یا محتوا یا نمود باطنی (آگاهی‌نامه راه و ساختمان و معماری، ۱۳۷۳، به نقل از بابایی، مهناز (۱۳۹۵) نقد و تحلیلی بر تعاریف معماری اسلامی، وبلاگ انجمن مفاخر معماری ایران، آخرین تاریخ ویرایش ۱۳۹۵/۹/۱۲).

نگارندگان معتقد هستند آن چه در حوزه تعریف معماری اسلامی نزد صاحب نظران وجود دارد تعریفی یکسان نیست. آیا معماری ایرانی را بر مبنای مذهب سازنده بنا، بر اساس کشورهای مسلمان، بر اساس مفاهیم جاودان الهی و تعالیم روح بخش اسلامی، بر اساس تفاوت دیدگاه معماران غربی، بر اساس چه دیدگاهی باید آن را تعریف کرد؟ اگر معماری را بر اساس نیاز انسان‌ها تعریف کنیم معماری اسلامی ایران؛ هنر طراحی، ساخت ۱- با توجه به این که موضوع این پژوهش جرم‌شناسی است.

و پرداخت، ارائه، نگه داری، ترمیم و بازسازی فضاهای زیستی مورد نیاز انسان در گستره‌ی هویتی اسلام و گستره‌ی قومیتی ایران است. حتی اگر معماری‌های موجود در جهان را بر پایه‌ی معماری‌های کشورهایشان بررسی نماییم، نامی از معماری اسلامی در این سبک‌ها وجود ندارد. آن چه امروزه با آن مواجه هستیم این است که سبکی به نام معماری اسلامی وجود ندارد، معماری اسلامی یک ایدئولوژی است که وارد فرهنگ معماری کشور شده است. می‌توان گفت در مقایسه با معماری‌های غرب و توجه به سبک‌های آن‌ها ایران، معماری ایرانی اسلامی و سنتی دارد و مفهوم معماری اسلامی مفهومی بی‌معنی است. اگرچه برخی معماران سعی بر این دارند که معماری‌های خود را به کشورهای اروپایی نزدیک کنند اما به دلایل بسیاری از جمله مباحث اقتصادی، طرد این سبک‌ها از سوی مردم، فرمان صریح مقام رهبری و دیگر دلایل، نمی‌توان گفت معماری ایران، معماری اروپایی است. دور از ذهن هم نیست اگر بگوییم معماری‌های امروز معماری‌هایی بی‌هویت هستند. لذا به طور کلی با توجه به این که سبک زندگی ایرانی و اسلامی بر پایه‌ی همین معماری‌های موجود است، پس نواقصی در حوزه‌ی معماری و شهرسازی وجود دارد که زمینه‌های بزهکاری را فراهم می‌کند و این نواقص را می‌توان هم در معماری فراموش شده‌ی سنتی، ایرانی خود پیدا نمود و برطرف کرد و هم به معماری‌های امروز نگاهی ویژه و جرم‌شناسانه داشت. پس معماری‌های امروز با نگاهی به سبک‌های ایجاد شده در غرب به طور کامل نه بر مبنای سبک‌های اروپایی است (مدرن) و نه اسلامی است.

پیشگیری محیطی در تقسیم بندی تعریف انواع پیشگیری به مفاهیمی همچون پیشگیری موسع و مضیق، در این مقاله پیشگیری مضیق ملاک اعتبار می‌باشد. در مقابل مفهوم مضیق پیشگیری است که برخلاف مفهوم اولیه‌ی آن فقط تدابیر غیر کیفری را در بر می‌گیرد. در این مفهوم پیشگیری به مجموعه راهکارهایی اطلاق می‌شود که برای مهار بزهکاری از دو طریق، مورد استفاده قرار می‌گیرد:

۱- از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرم‌زا.
 ۲- از طریق اعمال مدیریت نسبت به عوامل محیطی و فیزیکی جهت کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم (شاکری، ۱۳۸۲، ۹). اقداماتی که مورد اشاره واقع می‌شود ناظر به قبل ارتکاب جرم است. یعنی مجازات تا صدور حکم کیفری و اجرای مجازات از مضمون مفهوم پیشگیری خارج می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹: ۱۳).
 پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی محیطی، از راه طراحی و مدیریت محیط فیزیکی ساختمان‌ها، اماکن مسکونی و... امنیت عمومی را افزایش و ترس از وقوع جرم را کاهش می‌دهد (احسانی، ۱۳۸۹: ۴۵).
 از طریق طراحی محیطی؛ با اعتقاد به این که معماری شهری و طراحی محیطی قادر است با حذف یا کاهش فرصت‌های مجرمانه و با ایجاد موانع، ارتکاب جرم را دشوار نموده و منجر به کاهش جرم شود (رستمی تبریزی، ۱۳۸۸: ۷) اصول این تئوری براساس یک رویکرد کلی بین دانشمندان اولیه‌ی این علوم به شش بخش البته با اختلاف نظر تقسیم می‌شود. این اصول عبارتند از قلمروگرایی، نظارت، کنترل دسترسی، حمایت از فعالیت، خوانایی، مدیریت و مستحکم سازی هدف.

درباره تعداد این اصول اختلاف نظر وجود دارد. این اصول عبارتند از: ۱- نظارت، ۲- کنترل دسترسی، ۳-

قلمروگرایی، ۴- دشوار کردن دستیابی به اهداف مجرمانه، ۵- مدیریت نگهداری، ۶- حمایت از فعالیت‌های اجتماعی، ۷- خوانایی محیط، ۸- میزان حضور مردم در محیط، ۹- مقیاس انسانی، ۱۰- کاهش آلودگی صوتی در محیط، ۱۱- مکان یابی (سید زاده ثانی و جلالی، ۱۳۹۴: ۳۱)

جرائم منافی عفت^۱ روابط نامشروع مردان و زنان به گونه‌های مختلف در جریان است که نوع شدید و پیچیده آن روابط نامشروع جنسی است که در حال گسترش است (اسحاقی، ۱۳۸۲: ۱۴) جرم منافی عفت غیر از زنا را می‌توان این گونه تعریف کرد ((هرگونه تماس جسمی و فیزیکی مرد و زن نامحرم به قصد التذاذ جنسی به جز مواقعه)) لذا براساس این تعریف، اولاً باید تماس جسمی فی مابین زن و مرد باشد و ثانیاً ارتکاب این عمل چه با عفت و اکراه و چه بدون عفت و اکراه قابل تحقق است (قدسی، ۱۳۸۳: ۱۶۴)

بخشی از جرائم منافی عفت در حوزه‌ی جرم‌شناسی، جرائم آپارتمانی هستند. این گونه جرائم افعالی هستند که در مرئی و منظر عموم اتفاق نمی‌افتند، گزارش دهی پایینی دارند و رقم سیاه این گونه از جرائم بالا است. نقطه مقابل جرائم خیابانی جرائم آپارتمانی است. همچنین در مفهوم شناسی جرائم آپارتمانی از منظر معماری، می‌توان این جرائم را این گونه نیز تعریف نمود که جرائم آپارتمانی جرائمی هستند که در آپارتمان‌ها و محیط‌های درون آنان روی می‌دهد. تمامی جرائمی که به عنوان جرائم خیابانی از آن‌ها یاد می‌شود در آپارتمان و منازل نیز امکان وقوع آن‌ها وجود دارد. خصوصیت اصلی این گونه جرائم که بر دیگر عناصر آن رجحان دارد اصل پوشیده و مستور ماندن و گزارش دهی بسیار پایین این جرائم چه در ظاهر و چه در باطن این گونه جرائم است. جرائم آپارتمانی را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود؛ جرائم بالذاته آپارتمانی و جرائم آپارتمانی. از این روی برخی از معدود جرائم نیازمند مکان‌هایی هستند که بی رفت و آمد، پنهان، مخفی و گم باشد (البته با توجه به فرهنگ ایرانی و اسلامی)، که این گونه جرائم را می‌توان بالذاته آپارتمانی دانست. شاهد مثال این گونه جرائم زنا، لواط، و به عبارتی جرائم منافی عفت پیشرفته‌ی جنسی، سقط جنین و برخی دیگر از جرائم است. در مقابل جرائم آپارتمانی که ممکن است در مرئی و منظر عموم نیز اتفاق افتد و نیازمند مکان‌های مخفی نیز نباشد، اما عموماً به عنوان جرائم آپارتمانی از آن‌ها یاد می‌شود مانند کودک آزاری یا جرائم کارکنان دولت در محیط‌های اداری. بنابراین در حوزه‌ی جرم‌شناسی به غیر از استثنائات، عمده جرائم منافی عفت جزء جرائم آپارتمانی می‌باشد. اگرچه قانونگذار تا به امروز با تعمق در حوزه‌ی جرائم منافی عفت که غالباً از آن‌ها به عنوان جرائم آپارتمانی^۲ نام می‌برد قوانینی وضع کرده، اما قوانین به همراه مفاهیمی که بتواند مربوط به معماری ایران و نیاز معمار امروز را در بخش معماری جنایی و خصوصاً در حوزه‌ی منافی عفت‌ها رفع و مرتفع نماید دیده نمی‌شود. این جرائم آپارتمانی را قانون گذار در تبصره ماده‌ی ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری جدید سال ۱۳۹۴ به عنوان جرائم منافی عفت این گونه تعریف می‌کند: جرائم منافی عفت نیز به طور مستقیم در دادگاه صالح رسیدگی می‌گردد، منظور از جرائم منافی عفت، جرائم جنسی حدی (مانند زنا و لواط) و جرائم رابطه نامشروع تعزیری

- 1- Offenses Off Chastity
- 2- suit crimes

مثل تقبیل و مضاجعه می‌باشد. از این روی قانون گذار همه‌ی جرائم جنسی و فیزیکی و حضوری را از بالاترین حد خود تا پایین ترین آن در تعریف جدید خود قرار داده است و جرائم عمدتاً الکترونیکی جنسی از طریق پیامک و تلگرام، هرزه نگاری، انتشار و پخش عکس، تصاویر و فیلم‌های مستهجن را در تعریف خود بیان نکرده است.

پیشینه‌ی پژوهش

در پژوهشی با عنوان ترس از جرم در فضاهای عمومی شهری؛ مورد مطالعه: جامعه زنان منطقه ۱۲ شهرداری تهران (۱۳۹۷) نگارندگان به بررسی ترس از جرم به تفکیک جنسیتی در منطقه‌ی خاص شهری به طور موردی توجه داشته‌اند و بین فضاهای عمومی و فضاهای جرم خیز شهری قائل به تفاوت شده‌اند و در نتیجه به این موارد رسیده‌اند که بین فضاهای کالبدی متفاوت حس ترس از جرم در بانوان متفاوت بوده است. لکن بانوان بیش‌تر با تعرضات و بزه‌های غیر جسمانی و غیر فیزیکی روبه‌رو بوده‌اند. به لحاظ مکانی و زمانی نیز به این نتیجه رسیدند که در مکان‌های خلوت و در هنگام شب، ترس از جرم بانوان تغییرات محسوسی دارد. همچنین زنان مسن‌تر نسبت به زنان جوان با احساس ترس از جرم بیش‌تری به دلیل ضعف جسمانی روبه‌رو هستند. آن‌ها جهت کاهش ترس از جرم در بانوان پیشنهادهای زیر را ارائه کرده‌اند:

- تقویت روش‌های پیشگیری وضعی و پیشگیری اجتماعی در فضاهای شهری؛
- ارائه آموزش لازم به زنان در مواجهه با موقعیت‌های مجرمانه علیه آن‌ها؛
- بهبود روشنایی فضاهای عمومی و حذف فضاهای شهری بی دفاع؛
- ارائه آموزش‌های دفاع شخصی به زنان؛
- آموزش و ترویج کدهای اخلاقی در راستای تعدیل رفتارهای ضد در فضاهای عمومی شهری؛
- آموزش کارکنان پلیس زن در زمینه ترس زنان از جرم در فضاهای عمومی شهری و ارائه خدمات انتظامی و مشاوره‌ای؛

- اختصاص پلیس زن در رسیدگی به جرائم علیه زنان در فضاهای عمومی شهری (بیات و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۷)

در پژوهشی با عنوان ارزیابی عملکرد بوستان‌های زنان در ارتقای عدالت جنسیتی در شهرهای اسلامی (نمونه موردی: بوستان مادر آزادگان، منطقه ۱۵ شهر تهران) (۱۳۹۵) نگارندگان به تفکیک فضای جنسیتی در حوزه‌ی بوستان مادر آزادگان پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که: اگرچه فضای عمومی شهری برای همه‌ی مردم مهم است لکن از تاثیر آن بر زنان نمی‌توان غافل بود. بانوان در استفاده از فضاهای عمومی شهری دارای محدودیت‌هایی هستند که اگر فضاهای شهری مانند بوستان‌ها خاصه برای آن‌ها ایجاد شود می‌تواند به عدالت جنسیتی در فضاها برسد. آن‌ها با استفاده از سه شاخص مهم دسترسی، آزادی حضور و امنیت پرسش‌نامه‌هایی در اختیار بانوان قرار دادند که اصول دسترسی به عدالت جنسیتی از نظر بانوان ارزیابی شد و عملکرد بوستان زنان در تأمین این شاخص‌ها ارزیابی شد و نتیجه با پرسش‌نامه‌ها مطابقت می‌کرد، در نتیجه این بوستان‌ها در جهت عدالت جنسیتی در شهرهای اسلامی مورد پذیرش قرار گرفت.

پورقهرمانی و علیزاده سامع (۱۳۹۳) در مقاله ای با عنوان کاهش جرم با ترویج معماری اسلامی بیان می‌دارند که معماری اسلامی باید در جهت مبارزه با جرائم به کار گرفته شود و با استفاده از اصول و تکنیک‌های تکنولوژی، دوباره به سمت هویت اسلامی و رعایت حریم خصوصی خویش گام برداریم. همچنین به دنبال ایجاد الگوهای مناسب متناسب با فرهنگ شهرهای اسلامی در طراحی شهرها به دنبال کاهش جرم می‌باشند و با طراحی معماری ایرانی به دنبال تثبیت جایگاه روان‌شناسی محیطی و با ادغام تکنولوژی و فرهنگ اسلامی هویت پنهان شده شهرها هستند و محوریت این کار را در جایگاه مسجد در جامعه و کاربری‌های مناسب پیرامون آن می‌دانند.

بیش‌تر پژوهش‌هایی که نسبت به بانوان در مجلات و کتاب‌های مختلف انجام شده است نشان از آن دارد که در بخش جرم‌های مختلف (کم‌تر جرائم منافی عفت) ۱- با ترس از جرم آمیخته است ۲- در فضاهای عمومی شهری و خارج از محیط خانوادگی مورد رصد قرار می‌گیرد ۳- با پرسش نامه و بیان حس و حال افراد روبه‌رو است و عموماً قربانیان و عاملان اصلی این جرائم به طور مستقیم مورد بررسی قرار نگرفته و از نظرات و تجربیاتشان استفاده نمی‌شود. یعنی به طور اختصاصی این که فضای مسکونی (بیش‌تر از درون نه بیرون) بتواند ترویج دهنده‌ی جرم به خصوص منافی عفت‌ها باشد و حتی گاهی چون این جرائم آگاهانه اتفاق می‌افتند ترس از جرم در آن‌ها وجود ندارد، ۴- در حوزه‌ی معماری بخصوص در بحث زنان به رویکردهای جرم‌شناسانه و جرائم مختلف توجه نمی‌شود و مهم‌تر از آن راه کارهای اصلی و مولفه‌ها نیز مطرح نمی‌شوند بلکه در حوزه‌هایی مانند حس تعلق به مکان، رضایت مندی از فضاهای ساخته شده و... توجه می‌شود و در نتیجه در بخش مهم جرم‌شناسی معماری در حوزه‌ی زنان پژوهش‌هایی وجود ندارد بنابراین می‌توان گفت این پژوهش از جدیدترین و بدیع‌ترین پژوهش‌هایی است که پیرامون یک معماری خاص (مورد توجه ایرانیان) و متفاوت با پژوهش‌های دیگر انجام شده است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با توجه به مبحث اصلی موضوع یعنی تأثیر معماری ایرانی بر جرائم منافی عفت با نگاه خاص به بانوان، پژوهشی کیفی است و برای جمع‌آوری منابع و داده‌های آن به خصوص از نظرات جرم‌شناسان و معماران و کتب و مقالات مختلف در همه‌ی زمینه‌های درگیر به این دلیل که مقاله‌ی حاضر یک مقاله‌ی تک‌بعدی صرف نیست و پژوهشی میان‌رشته‌ای می‌باشد، استفاده شده است. برای تفهیم بهتر مطالب سعی شد علاوه بر استفاده از نظریات کاربردی پژوهشگران علوم مختلف به شیوه‌ی توصیفی تحلیلی مولفه‌های تأثیر گذار بررسی شود. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات به شکل استدلال‌های جرم‌شناسانه و منطقی با استفاده از یافته‌های حقوقی و جرم‌شناختی در بحث معماری ایرانی خواهد بود. اطلاعاتی که با استفاده از ابزار گردآوری داده‌ها به دست آمده و پژوهشگر حاضر داده‌های پژوهشی را تجزیه و تحلیل و سپس تفسیر می‌کند.

۱. فاکتورهای تاثیر گذار معماری ایرانی بر جرائم منافی عفت (یافته‌های پژوهش)

در این بخش به عناصر تاثیر گذار (پیشگیرانه ی) معماری ایرانی (اسلامی) بر جرائم منافی عفت از قبیل محرمیت و درون گرایی، پیش فضاها و... خواهیم پرداخت.

۱.۱ محرمیت و درون گرایی

پیرامون مسأله‌ی محرمیت و درون گرایی و حفظ حریم در آیات قرآن اشاراتی شده است می‌توان به آیه‌ی ۲۷ سوره مبارکه نور اشاره نمود^۱ که در معماری ایرانی و اسلامی و یکی از اصول مهم به شمار می‌آید. ارتباط درون منزل با فضای بیرونی به شکلی که امروزه وجود دارد مطرح نیست، خلوت دیداری ساکنین خانه‌ها کاملاً تامین می‌باشد و هر عابری نمی‌تواند بر محیط منزل احاطه و آگاهی داشته باشد. خانه‌ی ایرانی را به یک باره نمی‌توان مشاهده کرد فضاهای سازمان یافته در این خانه‌ها در یک تصویر قابل رویت نیستند. این اصل مختص اسلام نمی‌باشد، معماری ایرانی قبل از اسلام نیز به خوبی اصل محرمیت را رعایت می‌کرده و این عنصر یکی از معیارهای طراحی در شهرسازی‌ها است. به طور کلی نگاه معمار ایرانی همسو با خواست مردم کشورمان به خصوص زنان یک نگاه همراه با معنویت می‌باشد. عنصر اندرونی و بیرونی در منازل و نحوه‌ی قرار گیری اتاق‌ها برای ایجاد دید بیش‌تر و ایجاد حریم‌های خصوصی در مناطق مسکونی در پلان این فضاها یا حریم آن‌ها، تفاوت در به صدا درآوردن درب منازل برای افراد مونث و مذکر، درب منازل روبروی یکدیگر باز نمی‌شود همه نشان دهنده‌ی توجه خاص این نوع معماری به حریم انسان و علم انسان شناسی و ایجاد فاصله بین فضای زندگی و فضای اجتماعی بیرون و شاهد شکل گیری ارزش‌هایی پایدار هم چون امنیت، آرامش و خلوت است.

خصوصیت درون گرایی واحدهای مسکونی در جوامع اسلامی که خانواده در آن از حرمت و درونگرایی خاص برخوردار است، با فرهنگ جامعه کاملاً سازگار بوده و تحت تأثیر آن نیز کمابیش تا عصر جدید تداوم یافته است معماریان در مورد ویژگی خانه‌های درون گرا چنین نوشته است: این ویژگی به اختصار عبارت اند از: ۱- نداشتن ارتباط بصری مستقیم فضاهای داخل با فضای شهری بیرون خود ۲- فضاهای مختلف آن را عنصری مانند حیاط و یا صفه‌های سرپوشیده سازماندهی کرده است به نحوی که روزن‌ها و بازشوها به طرف این عناصر باز شوند (معماریان، ۱۳۷۳، به نقل از میرزاخان‌ی و دیگران، ۱۳۹۶، ۱۱۷)

در بافت‌های شهری پیوسته، متراکم و درونگرا، فضایی خصوصی برای زندگی خانوادگی به حساب می‌آمد که معمولاً اصل محرمیت در طراحی و احداث آن رعایت می‌شد تا افراد خانواده از دید اشخاص نامحرم (غیر خودی) محفوظ باشند. با کمی تأمل در تاریخ و ادبیات داستانی کشورمان به خوبی می‌توان این نوع نگرش را در جدایی فضاهای خصوصی و عمومی در جامعه سنتی و گذشته ایران دید (بانی مسعود، ۱۳۸۸: ۲۶۲) در کتب روایی نیز مبحثی تحت عنوان ((النظر الی دار الغیر بغیر اذنه)) (مامقانی، ۱۳۸۲: ۵۰۶) وجود دارد که صراحتاً در خصوص نقض حریم خصوصی منازل اشخاص است. از جمله روایات می‌توان به روایت زیر اشاره کرد ((ان من اطلع فی بیت ۱- یا أیها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوتنا غیر بیوتکم حتی تستأنسوا وتسلموا علی أهلها ذلکم خیر لکم لعلکم تدرون.

جاره فنظر الی عوره رجل و شعر امرأه أو شه من جسدها كان حقا علی الله ان یدخله النار مع المنافقین الذین یتبعون عورات النساء فی الدنيا الاخره و لا یدخلن النار حتی یفضحهن الله و یدعی للناس عورتهم فی الاخره؛ هر کس بر خانه همسایه خویش دسترسی داشته باشد و به آن نگاه کند و عورت مرد منزل یا موی زنان اهل منزل یا قسمت دیگری از بدن زنان اهل منزل را نظاره کند؛ بر خداست که وی را داخل جهنم در کنار منافقان کند که در جستجوی نظاره بر بدن زنان دنیا بوده اند؛ و از دنیا نمی رود مگر اینکه خداوند وی را در میان مردم ضایع گرداند و در روز قیامت نیز زشتی های او را بر مردم آشکار می کند (مامقانی، ۱۳۸۲: ۵۰۷) در این روایت کسانی که به دنبال نظاره بر بدن زنان هستند و آنانی که منزل غیر را بدون اذن صاحب ملک نگاه می کنند در ردیف منافقان آورده شدند و وعده عذاب به ایشان داده شده است وعدهی عذاب در مورد امری دلالت بر تحریم آن دارد (عطازاده و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۱۰) آن چه در حوزهی شهرسازی و اندیشه های جرم شناسی کم تر بدان پرداخته شده است، مسئلهی حفظ حریم خصوصی افراد می باشد. این خلاء معماری نه تنها در برج ها و بلوک ها، بلکه در فضاهای مسکونی شهرنیز وجود دارد. یکی از ابعاد مهم در بحث امنیت مشرفیت است. عموماً به دلیل حفظ حریم خصوصی افراد جامعه که یکی از حقوق بنیادین افراد بشر است هیچ گاه قانون گذار، دستگاه قضا و... به حوزهی جرم خیزی معماری توجه نمی کنند و عموماً ارتکاب این گونه جرائم را ناشی از مسائل اقتصادی، فرهنگی، ضعف اعتقادات مذهبی و... می دانند اگر چه در ظاهر وجود این مولفه ها از جمله اصلی ترین عوامل ایجاد بزهکاری به نظر می رسد اما از عنصر مستقیمی که به نظر غیر مستقیم و غیر ملموس که همان طراحی فضاهای مسکونی امروزی است غافل هستیم. اگر چه نگارندگان بر این نکته تاکید دارند که مشرفیت^۱ بر همه ی افراد جامعه تأثیر یکسانی ندارد و در این میان می توان گفت که بزهکاران بالقوه سهم بالایی در هنجارشکنی و ارتکاب بزهکاری دارند.

۱- آیات عظام نیز به طور کلی جواز مشرفیت را از معماران سلب کرده اند.

احداث و طراحی خانه ها به ضرورت ضوابط حاکم به نوعی است که در موارد زیادی اتاق خواب و یا آشپزخانه دو واحد مستقل از یک نورگیر نورمی گیرند و لذا کاملاً بهم اشرف و ارتباط دارند. این نوع طراحی چه حکمی دارد؟ آیت الله مکارم شیرازی: شرعاً اشکال دارد. آیت الله سیستانی: از آنجا که استفاده از چنین مکانهایی لزوماً مستلزم گناه نیست کما اینکه ممکن است مواردی چون پدر و فرزند در هریک از واحدها زندگی کنند یا... منع به طور کلی نیست و بر استفاده کنندگان لازم است مسائل شرعی را رعایت نمایند. آیا مهندس معمار می تواند ساختمانی با تراکم بالا- تعداد طبقات زیاد- طراحی کند که مشرف به خانه مردم باشد؟ آیت الله مکارم شیرازی: جایز نیست مگر این که با طرح هایی جلوی اشرف آن را بگیرند. آیت الله سیستانی: فی نفسه مانعی ندارد لکن اگر احداث این ابنیه به نحوی است که ضرر قابل توجهی بر همسایگان وارد می آید و این امر غیر متعارف باشد (مثلاً منطقه مسکونی است که نوعاً خانیهها کم ارتفاع است و منزل مرتفع مزبور در آن محل متعارف نیست و عرفاً آیداء همسایگان صدق میکند) جایز نمیشود، اما اگر ضرر قابل توجهی بر همسایگان وارد نشود یا آنکه ضرر قابل توجه امر متعارف و معمولی باشد اشکال ندارد و این مطلب به حسب موارد و آژمنه و امکانه مختلف است، البته شایسته است در کشور اسلامی منازل طوری ساخته شود که داخل خانیههای مجاور قابل رؤیت نباشد تا از طرفی زمینه گناه برای بعضی فراهم نشود و از طرفی ساکنین منازل مجاور به راحتی از خانه خود که مسکن که محل سکونت و آرامش آنهاست، استفاده نمایند. **سایت مرکز مطالعات حکمت، دانش و فن شهرسازی و معماری ایرانی اسلامی، بخش استفتائات معماری، آخرین بروز رسانی مطلب در دوشنبه، ۱۱ آبان ۱۳۹۴، ۱۲:۵۰**

در راستای عنصر مهم رعایت محرمیت و پیش فضا در حوزه‌ی معماری ایرانی به نمونه پرونده‌ای اشاره می‌شود: جنازه زنی جوان که منزل شان روبروی ساختمان نیمه کاره‌ای که در حال ساخت بود قرار داشت و پس از تجاوز به قتل رسیده بود توسط پلیس کشف گردید. تحقیقات گسترده منجر به دستگیری یک نفر شد. او ضمن اعتراف به ارتکاب تجاوز و قتل در خصوص انگیزه قتل اظهار داشت که وی مدتی قبل در همان ساختمان نیمه کاره مشغول به کار بوده و در اثر تردد مکرر آن زن در حیاط منزل به صورت نیمه عریان تحریک شده است و در یک فرصت مناسب به قصد تجاوز وارد منزل گردیده و در نهایت، به خاطر شکستن مقاومت وی او را در حین تجاوز به قتل رسانده است (جوان جعفری بجنوردی و شاهیده، ۱۳۹۳: ۵۲).

اگر این عنصر کلیدی و فراموش شده‌ی معماری ایرانی یعنی رعایت عنصر محرمیت و درون گرایی و رعایت پیش فضاها در هر دو ساختمان رعایت می‌شد، مشرفیت این جنایت را ایجاد می‌کرد؟ اگر این عناصر رعایت می‌شد، امکان رویت زن توسط کارگر ساختمان روبه رو کم‌تر نمی‌شد؟ آیا همیشه باید در حوزه‌ی جرائم منافی عفت دوربین سیستم عدالت کیفری به عنوان مسئول، سمت بانوان برود؟

با این که جمعیت کشور در این برهه‌ی زمانی جمعیتی عموماً جوان یا میانسال و فاقد شغل هستند و اکثر اوقات خود را در فضاهای مسکونی مشرف بر یکدیگر می‌گذرانند. بالا بودن هرم سن جوانان در جمعیت انبوه ساکن در این فضاها و خلاء کنترل‌های رسمی و غیر رسمی متناسب با این افراد و از سویی نبود امکانات و زیر ساخت‌های مناسب برای گذران اوقات فراغت و تفریحات مفید (نقص دستیابی به فضاهای کالبدی مناسب، مکان یابی صحیح و...) باعث می‌شود جمعیت ساکن به استفاده از عموماً اینترنت و ماهواره‌ها نمایند و زمانی که از استفاده‌ی این تجهیزات رها می‌شوند به جای آن که از پنجره‌ی اتاق خود مناظر طبیعی و فضای سبز را مشاهده کنند با پنجره‌ی باز منزل بلوک مقابل، سر و صدای وسایل نقلیه، زنان خیابانی و... روبه رو شوند، اگر چه عمده ترین دلایل وجود زنان و دختران خیابانی که برخی از آن‌ها روسپیان خیابانی می‌باشند، می‌تواند دلایل اقتصادی، خانوادگی، روانی و... باشد، اما اینان با ظاهری نامناسب با مانور خود در فضاهای عمومی و در کنار خیابان‌ها عمدتاً جرم خیابانی مرتکب می‌شوند که شاید یکی از دلایل کم اهمیت و مغفول مانده‌ی تقویت این جرم‌ها، مشرفیت (اگر چه می‌توان مشرفیت رانوعی چشمان ناظر بر خیابان دانست) باشد (ملک میرزائی و دیگران، ۱۳۹۷، ۱۱۳).

از آن جایی که جرایم جنسی گاهی در بین کسانی مطرح اتفاق می‌افتد که با یکدیگر رابطه صمیمانه و نزدیکی دارند، لذا مسئله برخورد با آن قدری پیچیدگی پیدا می‌کند و قانون گذار را بر سر این دو راهی قرار می‌دهد که آیا با این جرم همانند جرمی معمولی رفتار بشود یا این که به مسایلی چون مشاوره و سازش و آشتی اهمیت داده شود و برای برخورد با این گونه جرایم، از این ابزار، استفاده‌های مؤثر به عمل آید (عطاشنه و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰۳). گاهی، در این میان قربانیان اصلی این ناهنجاری و به تبع آن جرائم منافی عفت عموماً زنان و دخترانی هستند که با شناسایی آن‌ها سبب ربودن و تجاوز به ایشان و وجود فرزندان نامشروع یا سقط جنین‌هایی خواهد بود که آن‌ها را از فضاهای کالبدی (منازل مسکونی) همجوار یا اطراف شناسایی و به سبب تصور جاذبه‌ای که داشته اند ربوده اند و در نتیجه بزه دیده شدند. از سویی اشراف داشتن به منزل دیگری یک

رابطه‌ی دو سویه و نقض حقی است که برای بزهکاران و بزه دیدگان بالقوه و قربانیان احتمالی آن‌ها است و این حق با اشراف از میان رفته است، مشرفیت در ارتباط با موقعیت جرم از جمله عللی است که در زمینه‌ی قبل از وقوع جرم تسهیل کننده و مشوق جرم است، با این حال معماری امروز به دنبال تجدد و خلق آثار و فضاهای کالبدی جدید است گسترش بیش تر معماری‌های امروز در آپارتمان‌ها و بلوک‌های شهری نگاه به بیرون دارد. اگر چه جرائم با انگیزه‌های مختلف به وقوع می‌پیوندند اما این معماری‌ها با خاصیت برون گرایی خود می‌تواند زمینه‌ساز ناهنجاری‌های اجتماعی، قتل‌های ناشی از تجاوز، گسترش روابط غیر قابل کنترل و آزاد دو جنس مخالف از افراد را فراهم آورد. زندگی آپارتمانی که بدون تردید از اثرات مدرنیته غرب استفاده می‌کند اگر از اصول و روش‌های معماری ایرانی پیروی نکند و به تقلید صرف از الگوهای غربی اکتفا کند، بالقوه بستر مناسبی برای انواع آسیب‌های اجتماعی خواهد بود که می‌تواند سلامت جامعه و به تبع آن امنیت شهری را با تهدیدهای جدی مواجه سازد. مفهوم روان‌شناسانه‌ی خلوت در خانه‌های سنتی ایران به خوبی مورد توجه است و معماران سنتی با به کارگیری تدابیر مختلف سعی در برآورده کردن این نیاز داشته‌اند. بر خلاف آن چه در معماری امروز ایران رخ داده و آن نادیده گرفتن خلوت و امنیت بصری در ساختمان‌ها است. بی‌تردید توجه به الگوی معماری سنتی و حفظ ارزش‌های آن در معماری معاصر می‌تواند تأثیر به‌سزائی در بالا بردن کیفیت خانه‌های امروزی داشته و رضایت مندی کاربران را تأمین کند. خانه به عنوان یک سرپناه امن و آرامش بخش از ابتدایی‌ترین مسایلی است که انسان همواره با آن روبرو بوده و به دنبال راه حلی منطقی و مناسب برای تأمین آن است. انسان در زمان‌ها و مکان‌های مختلف عوامل و مفاهیم و عناصر متفاوتی را به کار گرفته تا به این هدف دست یابد. مفهوم خلوت در مقایسه با مفاهیم فیزیکی و مادی وابسته به خانه چندان مورد توجه طراحان و معماران قرار نگرفته است.

در کل شخص درون‌نگر با دیدگاه درونی و ذهنی همراه بوده و آمادگی بیش تری برای خودداری و تسلط بر نفس خویش نشان می‌دهد ولی برون‌گراها با دیدگاه عینی و خارجی‌تر شناسایی شده و از آمادگی کم تری برای تسلط بر نفس خویش برخوردارند (آیزنگ، نقل از مؤسسه علمی ایران زمین پارسیانس، ۱۳۸۵ به نقل صفر زاده، ۱۳۸۸، ۸۵)

۲.۱ وسعت زمین‌ها و خلوت شنیداری

تراکم جمعیت عاملی برای پرخاشگری، گوشه‌گیری و دیگر ناهنجاری‌های رفتاری است و افراد در موقعیت‌های متراکم‌تر از یک سو، به دلیل ترس از تجاوز به حریم شخصی، اضطراب و تشویش بیش تری را تجربه می‌کنند و از سوی دیگر، امکان شناخت ساکنان و ایجاد تعلق خاطر میان آن‌ها نیز کم‌تر خواهد شد (تی‌هال، ۱۳۹۰، ۲۰۵) نیاز به خلوت، فضای شخصی و قلمرو گرایی در انسان، عمومیت دارد و به ارضای نیازهای دیگری چون امنیت، خودشکوفایی و عزت نفس ربط دارد (لنگ، ۱۳۹۰: ۱۶۵) کنترل قلمرو مکانی در طراحی معماری اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا تعیین قلمرو در تنظیم تعاملات اجتماعی، رفع تنش‌های زندگی و تأمین خلوت، نقش

بسیار مهمی دارد (ارژمند و خانی، ۱۳۹۱، ۳۴) عدم رعایت خلوت شنیداری و کمبود زمین (فشردگی منازل مسکونی در کنار هم) با وجود تراکم جمعیت و عدم رعایت قلمروگرایی سبب ایجاد تنش و ناهنجاری می‌شود. بررسی وضع مسکن ۵۰ نفر زندانی در زندان مرکزی شهرستان اراک، نتایج زیر را در بر داشت: ۱۲/۵ درصد دارای خانه‌های بزرگ، ۵۶/۲۵ درصد دارای خانه‌های متوسط، ۲۹/۱۶ دارای خانه‌های کوچک و ۲/۰۸ درصد دارای خانه‌های خیلی کوچک بوده اند (مرادی، ۱۳۹۰، ۱۲۸).

با توجه به جمع این نتایج بزهکار شدن افرادی که در منازل مسکونی متوسط، کوچک و خیلی کوچک زندگی می‌کنند بر بزهکارانی که در خانه‌های بزرگ زندگی می‌کنند برتری می‌یابد، پس می‌توان این گونه نتیجه گرفت که وسعت زمین در معماری ایرانی به کم‌تر بزهکار شدن افراد و خلوت شنیداری همسایگان کمک کند. یکی از عناصر فراموش شده ساخت منازل مسکونی اسلامی ایرانی امروزه، وسعت زمین‌ها و خلوت شنیداری می‌باشد. به عقیده نگارندگان به دلیل وجود دیوارهای ضخیم در این فضاهای کالبدی و وسعت زیاد زمین‌هایی که در حوزه‌های این ساختمان‌ها وجود دارد (بزرگی فضای منازل نقش جرم‌زایی آن را کم رنگ می‌کند) و عموماً اطراف این نوع معماری منازل مسکونی، بن بست‌ها و تنوع کاربری وجود دارد، بنابراین کم‌تر در معرض آلودگی صوتی که یکی از مولفه‌های آسایش بصری است وجود دارند و سبب جذابیت و آرامش بیش‌تر می‌باشند. مولفه‌ی کاهش آلودگی صوتی در معماری ایرانی موجب می‌شود تا افراد صدای همسایگان خود را از آن سوی دیوارها نشنوند. همسایگانی که می‌توانند زوج‌های جوان بوده و با ایجاد سروصدا امنیت روانی ساکنان دیگر خانه‌ها که البته دارای فرزندان جوان باشند را به هم بزنند. وجود جداره‌های نازک در بین واحدها وجود داکت‌ها، کانال‌ها و حیاط خلوت‌ها در بین واحدهای مسکونی که کوچک‌ترین صدای برخاسته از ساکنین در فضای واحدهای دیگر می‌پسچید و موجب برهم خوردن حریم شنیداری می‌شود تا جایی که از بحث‌ها و دخالت ساکنین با یکدیگر می‌شود، نه تنها ناهنجاری‌هایی از قبیل افسردگی، درگیری‌های لفظی و جسمی را ترویج می‌دهند، بلکه سبب راحت کردن انواع ارتباطات با همسایگان جوان خود (گاهی پسران جوان و زن جوان همسایه) و گاهی سبب بروز جرائم از قبیل روابط نامشروع شده است.

۳.۱ تفکیک فضاهای خصوصی کودکان از والدین

تفکیک فضاهای خصوصی کودکان از والدین و (گاه‌ها از یکدیگر)، برگرفته از تعالیم عالی‌ه اسلامی بوده است که حتی برای ورود کودکان به فضای مخصوص پدر و مادر نیز کسب اجازه را لازم دانسته و حتی در درب ورودی اتاق طوری فضای کالبدی ساخته شده که فرد نیازمند تا حدودی خم شدن می‌باشد که این احساس احترام را تقویت می‌کند که از شاهکارهای اصلی معماری ایرانی است. از سویی جدای فضاهای قابل استفاده برای والدین و کودکان از یکدیگر سبب جلوگیری از روئیت ارتباط‌های پدر و مادر خواهد شد و در نتیجه به هم نخوردن امنیت روانی کودکان و جلوگیری از ارتکاب جرائم جنسی در کودکی و حتی بزرگسالی آن‌ها (در درون خانواده و خارج از آن) خواهد بود.

۴.۱ پنجره‌های مشبک و شیشه‌های رنگی

در معماری اسلامی با ایجاد پنجره‌های مشبک و شیشه‌های رنگی علاوه بر حفظ معیارهای زیبایی شناختی بر حفظ محرمانیت از نظارت و کاهش دید از بیرون به درون برای حفظ امنیت و مکان قرارگیری پنجره‌ها در ارتفاع بالاتر از ۲ متر از دید به داخل جلوگیری می‌کند (سیفی قره یتاق و دیگران، ۱۳۹۴، ۲۱۹۱). این مولفه در پلان‌ها و قرارگیری ورودی در گوشه حیاط مرکزی و امکان دید بیش‌تر بر مسیر حرکتی مهاجمان و مجرمان به محدوده‌ی منزل و طرز قرارگیری اتاق‌ها در گرداگرد حیاط مرکزی که به همه جای منزل امکان نظارت می‌دهد از دیگر جنبه‌های مثبت این نوع معماری است (همان، ۲۱۹۱-۲۱۹۲). بدین شکل هر نوع ارتباط جنسی و جسمی در درون خانواده و بین همسران مستور مانده و مانع از ترویج بی‌عفتی در دیگر اعضای خانواده می‌شود.

۵.۱ عدم وجود بلند مرتبه سازی

منظور از این بایسته این است که برای استفاده از پشت بام نیز به اصل محرمانیت همانند درون منازل توجه می‌شده است. در این نوع معماری^۱ شاخصی تحت عنوان بلند مرتبه سازی وجود ندارد، زیرا ساختمان‌ها بیش‌تر از ۲ طبقه ساخته نمی‌شوند، بنابراین با معضلی تحت عنوان تراکم جمعیت و مشاهده‌ی همه‌روزی زنان و دختران همسایه‌ها روبه‌رو نیست، در نتیجه عدم ارتباط‌های بصری میان دو جنس مخالف کم‌تر وجود دارد. در معماری معاصر در غرب و با ظهور سبک‌های جدید از قبیل دیکانستراکشن و یا فولدینگ و... با حذف سلسله مراتب فضایی و با هدف شکل‌دهی سیاست فضایی این مقوله تا حدود زیادی کم‌رنگ شده است (سیفیان و محمودی، ۱۳۸۶، ۷).

۶.۱ نظارت طبیعی و ایجاد وحدت رویه و مرکزیت داشتن انواع فضاهای کالبدی

ارتباط‌های فیزیکی شامل شبکه‌ی معابر و گذرگاه‌هاست. ارتباط فیزیکی بین عناصر هویت ساختاری شهر را به وجود می‌آورد. در شهرهای قدیمی، مکان یابی عناصر شاخص و اصلی همچون مسجد، آب انبار، ارگ و بازار در مسیر شریان اصلی انجام می‌گرفت به این صورت مجموعه عناصر یاد شده با یک گذرگاه و یا مجموعه‌ای از گذرها به یکدیگر می‌پیوست. قرار دادن فعالیت‌های مکان‌هایی با میزان فعالیت بالا و فرصت نظارت فراوان، از راه کارهای ارزشمند در کاستن از میزان جرم در محله‌ها و مناطق شهری است؛ این راه کار با ارکان دیگر فعالیت پشتیبانی و به عنوان یکی از ارکان نظریه‌ی پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی چون قلمروگرایی، کنترل ورودی‌ها و نظارت مرتبط است. در واقع مانند کانون تجمع افراد محله عمل می‌کند و موجب افزایش (فعالیت‌های امن) چشم‌های ناظر بر خیابان، افزایش فرصت نظارت، تقویت همبستگی اجتماعی و بیش‌تر شدن کنترل اجتماعی غیررسمی می‌شود (محمودی جانکی، ۱۳۸۱، ۷۵). نگاهی اجمالی به تاریخ سرزمین کهن ایران، گواهی است بر این ادعا که در شهرهای شکل گرفته در بافت سنتی، تقویت فضاهای امن از طریق

طراحی مناسب کالبد و افزایش تعاملات اجتماعی بین ساکنان اهمیت داشته است. چنان که بررسی دقیق تر بافت تاریخی شهرهای سنتی، تلاش کالبد بافت را در جهت ایجاد نظارت همگانی و حفظ قلمرو طبیعی - که از پایه‌های اساسی ایجاد فضای قابل دفاع و نیز از اصول مهم نظریه‌های نیومن و جیکوبز به طور مشترک بوده است - نشان می‌دهد. کرو^۱ نیز در این باره می‌گوید برای ایجاد دسترسی مطلوب و کاهش دسترسی مجرمان می‌توان از نظارت‌های عمومی بر معابر و مسیرهای دسترسی بهره گرفت (خاموشی، ۱۳۸۷: ۱۵۶؛ کرو، ۲۰۰۰: ۴۳). سلسله مراتب میان عناصر شهری در ابعاد ساختاری و رفتاری این سلسله مراتب را می‌توان در ساختار فضایی شهر (محله، بازار و مسجد) سلسله مراتب دسترسی‌های موجود (گذرهای اصلی، فرعی و بن بست) سلسله مراتب فضایی از نظر فضاهای عمومی و خصوصی (محرمیت) سلسله مراتب توزیع خدمات شهری و سلسله مراتب موجود در عناصر نمادین مشاهده کرد. در واقع این تعیین حدود عمومی و خصوصی واضح فضاهای «سلسله مراتب همان است که جیکوبز از آن با عنوان یکی از سه مشخصه شهر امن در کتاب مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی (۱۹۶۱) «یاد می‌کند (مجله برنامه‌ریزی شهری و مسکن، ۱۳۸۸، به نقل از پور جعفر و دیگران، ۱۳۸۹، ۸۲) از دید صاحب نظران سیمای شهر، وجود نمادها، علایم و نشانه‌های شهری، از عوامل مهم در خلق حس مکان است و به تازه واردان و غریبه‌ها کمک می‌کند تا از طریق ارتباط با آن‌ها احساس امنیت کنند و مسیر خود را بیابند (سید زاده ثانی و جلالی، ۱۳۹۴: ۳۵). افراد بزهکار تمایل بیش تری دارند تا از غریبه‌ها و بیگانگان یعنی افرادی که هیچ گونه آشنایی با محیط ندارند، دزدی کنند و غالباً افرادی که به دلایل مختلف در شهر احساس گم گشتگی می‌کنند و در تشخیص موقعیت و مسیر خود با مشکل مواجه می‌شوند از نظر بزهکاران طعمه‌های خوبی به شمار می‌روند (صالحی، ۱۳۸۷: ۱۶۵).

۷.۱ تقویت حس همسایگی

تقویت روابط همسایگی از آن جهت که فرد در غیاب همسایه می‌تواند محافظت و نظارت خوبی بر آماج‌ها داشته باشد یکی از راهبردهای پیشگیری وضعی است. در سیاست جنایی اسلام موضوع همسایگی بسیار موکد مورد توجه قرار گرفته و محافظت از همسایه و اموال او از جمله حقوق وی شمرده شده است (حر عاملی، ۱۴۰۵: ۶۲۹). به نقل از میر خلیلی ۱۳۸۷: ۳۱۳). با تغییر الگوی مسکن و شهرسازی، حذف کوی و برزن از مهندسی شهری، غلبه‌ی مسافرات‌های سواره بر پیاده روی و رودر روی روزمره با همسایه‌ها و گذراندن اوقات فراغت در منزل یا مسافرت، نقش محله در شئون زندگی مردم (و از جمله کنترل جرم یا انحراف) به شدت کاهش پیدا کرده است و این در حالی است که دیر زمانی در کشور ما، محله کانون توجه و دل بستگی بوده است. محله صرفاً یک خوابگاه و مکان صرف نبوده بلکه فرهنگ ساز و هویت بخش هم بوده است. محله به عنوان اولین حلقه از جامعه فراخانواده نقشی حمایتی و تربیتی داشت. اوقات فراغت و جشن و عزای اهل محل در کنار هم می‌گذشت و خشت اول جامعه پذیری در محله گذاشته می‌شد. عمق دلبستگی‌ها به محله‌ها

به قدری بود که افراد یک خانواده نسل بعد از نسل در یک محله زندگی می کردند، از دواجها (غیر از ازدواج‌های فامیلی) بیش‌تر درون محله ای بودند و اهالی محل حکم یک خانواده بسیار بزرگ را داشتند؛ بنابراین جرائم و انحراف‌هایی که در سطح محله انجام می شدند به شدت با واکنش‌های عمومی اهالی محله مواجه می شد (محمد نسل، ۱۳۹۳، ۱۰۹).

به نظر نگارندگان امروزه در برج‌ها و حتی در ساختمان‌های مسکونی که با سایه انداختن بر ساختمان‌های دیگر حق نور را از این ساختمان‌ها سلب می کنند یادآوری این نکته خالی از فایده نخواهد بود که گرچه کشور ما ایرانی، اسلامی است و در اسلام هیچ ضرر و زیانی متصور نیست، اما این ساختمان‌ها با شرایط فیزیکی خود به ساختمان‌های مجاور ضرر رسانده و سبب محرومیت آن‌ها از نور و تهویه‌ی هوا می شوند و نظارت همسایگان که از عناصر کلیدی طراحی محیطی است نیز در این فضاها عنصری فراموش شده و غیر مدرن است. بنابراین، از بین رفتن حس تعلق به فضا توسط همسایگان، می تواند موجب تقویت و گسترش جرائم آپارتمانی شود.

۲. تأثیر معماری ایرانی بر جرائم سازمان یافته‌ی جنسی (جرائم آپارتمانی)

اخیرا متفکران پیشگیری موقعیت مدار از جرم توجه خود را به سامانه‌ها و تولیدات معطوف نموده و تمایزهایی را میان علاقه‌ی ذاتی جرم‌شناسی محیطی به فضا و مکان مطرح کرده و هم زمان، برخی چالش‌های فراروی رسالت کلی جرم‌شناسی محیطی را خاطر نشان ساخته اند. این چالش‌ها در هیچ کجا نمایان‌تر از تفکیک میان فضا و مکان در فعالیت‌های مجرمانه نیستند. با گسترش انفجاری سامانه‌ها و خدمات الکترونیک به ویژه تلفن همراه و شبکه جهانی اینترنت پیوند رو به کاهشی میان جرم و محیط شهری وجود دارد. امروزه جرائم می توانند از طریق مرزهای بین‌المللی، بازه‌های زمانی متفاوت و در شرایطی که بزهدار و بزه دیده هم زمان حاضر نیستند، روی دهد. باز طراحی اماکن شهری می تواند به پدید آوردن فضاهای فیزیکی قابل دفاع کمک کند، اما هیچ چیزی نمی تواند فضاهای مجازی قابل دفاع را ایجاد کند. افزون بر این، بسیاری از جرائم مانند ویران‌گری وابسته به مکان‌های خاصی نیستند. برای نمونه قاچاق انسان و مواد مخدر بین‌المللی، دزدی دریایی، تجارت گونه‌های در معرض خطر انقراض، رانت خواری، خرید و فروش جهانی و غیر قانونی مواد شیمیایی خطرناک، استفاده از خدمات مالی مشروع برای تطهیر عواید حاصل از فعالیت‌های غیر قانونی، جرائم رایانه‌ای، جاسوسی، پولشویی و بسیاری از جرائم دیگر بی تردید در مکان روی می دهند، اما طراحی یک محیط فیزیکی برای کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم در آن‌ها، عملا غیر ممکن است. از این روی، آن چه به عنوان جرم‌شناسی محیطی بدان توجه می کند، جرم محلی یا شهری در یک محیط گسترده‌تر اجتماعی، سیاسی و طبیعی است که صرفا چاره جویی است که از طریق آن، حوادث محلی تفسیر می شوند. تردیدی وجود ندارد که برخی از گونه‌های جرم می توانند در برخی مناطق و در نتیجه پیشرفت‌های محیطی و موقعیت مدار کاهش یابند، اما تاکنون هیچ نشانه‌ای به دست نیامده که اصول و رویه‌های جرم‌شناسی محیطی بتوانند در مقیاسی جامعه‌ای و جهانی اثر گذار باشند (اوبراین و یار، ۱۳۹۴: ۱۱۰).

نتیجه گیری

هر جامعه باید معماری و ساختمان‌هایی متناسب با نگاه و فرهنگ خود داشته باشد، زیرا عدم توجه به این مهم زمینه ساز ارتکاب جرائمی می‌شود که حتی ممکن است در جوامع دیگر (کشورهای دیگر) جرم نباشد. به عبارت بهتر حوزه‌ی طراحی محیطی در همه‌ی کشورها یکسان نیست. معماری ایرانی توجه به حضور انسان، ارزش‌های انسانی و نیازهای روحی و جسمی او، مذهب، فرهنگ و سنن ایرانی دارد و بیش‌ترین دلیل و لزوم استفاده از این نوع معماری از بین بردن موقعیت جرم به خصوص جرائم منافی عفت است که این مورد از عدم توجه به هویت شهرها و بافت‌های معماری به عنوان اجزا تشکیل دهنده‌ی نظام یک شهر و در نتیجه پیامدهایی زیان بار آن است. علاوه بر این عدم استفاده یا استفاده‌ی کم از حوزه‌های طراحی محیطی فیزیکی و غیر کالبدی معماری ایرانی باعث گسترش بیماری‌های روانی، خشونت و به خصوص سبب ایجاد جرائمی همچون ضرب و ستم، زورگیری، سرقت، قاچاق مواد ساختمانی، قتل، تجاوز، و به خصوص جرائم منافی عفت می‌شود.

قانون گذار در حوزه‌ی معماری ایرانی، قانونی پیرامون جرائم منافی عفت ندارد. وجود نوعی مقاومت بر ایجاد تغییر در این فضاهای مسکونی نشان از عدم شناخت در حوزه‌ی معماری‌های امروز می‌باشد. از طرفی اصول طراحی محیطی معماری ایرانی اسلامی با اصول طراحی محیطی که امروزه شناخته شده است تفاوت و تعارض دارد، از طرفی طراحی محیطی، به دنبال افزایش نظارت و چشمان مشرف نه تنها بر خیابان بلکه ساخت منازل است و از طرف دیگر طراحی محیطی معماری ایرانی به دنبال کاهش حداکثری نظارت بر محوطه‌ی منازل و خانه‌ها می‌باشد. از این روی باید به دنبال ارائه‌ی نظریاتی جدید در حوزه‌ی طراحی محیطی در بخش معماری ایرانی مختص به خود در حوزه‌ی جرائم منافی عفت جهت کاهش این گونه جرائم و بر هم خوردن امنیت جسمی و روانی زنان و جامعه‌ی ایرانی خود باشیم. بسیاری از پرونده‌های جرائم منافی عفت و پژوهش‌هایی که پیرامون آن انجام می‌گیرند، به دنبال تصحیح قانون، فرهنگ سازی و اصلاح نگرش نسبت به بانوان، تسهیل امر از دواج، عمیق‌تر کردن اعتقادات دینی، برچسب زنی و... می‌باشند بدون آن که به طراحی محیطی پیرامون زندگی بانوان توجه نمایند. باید گفت بند اول اصل سوم قانون اساسی که به دنبال ایجاد محیطی مساعد برای رشد فضائل اخلاقی است کم‌کم به ورطه‌ی فراموشی سپرده می‌شود جالب این جاست قبل از این، معماری ایرانی و اسلامی در ساخت و سازهای خود این اصل را رعایت کرده است. ضعف مدیریت در ساختمان سازی‌های امروز، نبود کنترل و ایجاد محدودیت جهت ساختمان سازی‌های غیر ایرانی، نبود برنامه‌های مدون کمیته‌ای تخصصی جهت کنترل بحران جرائم جنسی مربوط به معماری به خصوص جرایم منافی عفت از اشکالات موجود در حوزه‌ی جرم‌شناسی معماری‌های امروز است. معماری ایرانی به دنبال کاهش یا ایجاد ممانعت از تبدیل اندیشه به عمل از طریق ایجاد مانع، کاهش وسوسه و نهان کردن آماج جرم می‌باشد و می‌تواند با عناصر پیشگیرانه‌ی کالبدی و غیر کالبدی خود بر پیشگیری از جرائم منافی عفت راهگشا باشد. ابعاد خاصی کالبدی این معماری عبارتند از:

۱- محرمیت و درون گرایی که (شامل اندرونی و بیرونی، تفاوت در به صدا درآمدن درب منازل، درب ورودی

منازل روبه روی هم باز نمی‌شوند، شکل خاص نحوه‌ی قرار گیری اتاق‌ها) پیش فضاها که شامل هشتی‌ها، دالان و تورفتگی‌ها، ۲- خلوت دیداری و شنیداری (که شامل وسعت زیاد زمین‌های این فضاها، مسکونی، دیوارهای ضخیم و...)، ۳- تفکیک فضاهای خصوصی کودک از والدین خود، ۴- پنجره‌های مشبک و شیشه‌های رنگی، ۵- عدم وجود بلند مرتبه سازی ۶- نظارت طبیعی و ایجاد وحدت روبه و مرکزیت داشتن انواع فضاهای کالبدی ۷- تقویت حس همسایگی.

معماری ایرانی با رعایت عنصر حریمیت و دیگر عناصر کالبدی موجود در خود (از بیرون)، در بحث مهم ترویج منافی عفت‌ها یکی از بهترین نمونه‌های شکل معماری در تضاد با ترویج این گونه جرائم است. لیکن از منظر تقسیم بندی شخصی نگارندگان در حوزه‌ی تقسیم بندی جرائم آپارتمانی به جرائم بالذاته آپارتمانی و جرائم آپارتمانی منافی عفت؛ این شکل معماری نمی‌تواند ترویج دهنده‌ی مکانی مناسب برای ارتکاب جرائم بالذاته آپارتمانی جرائم منافی عفت فیزیکی، حضوری و پیشرفته‌ی جسمی و جنسی مانند زنا، لواط، مساحقه و... باشد، زیرا می‌تواند بر مجرم بالقوه که نیازمند تشکیل اندیشه‌ی مجرمانه در ذهن خود، فرصت (فرصت روئیت) و نیازمند دستیابی به مکان (مکان خاص) برای ارتکاب جرم است و با تغییر در وضعیت ماقبل جنایی و ایجاد مانع در حوزه‌ی امکان ایجاد افکار مجرمانه^۱ تأثیر گذار باشد. همچنین عناصر اخلاقی در ویژگی‌های کالبدی این نوع معماری (از درون نیز) به خوبی رعایت می‌شود.

در حوزه‌ی جرائم آپارتمانی منافی عفت (جرائم منافی عفت سازمان یافته) باید گفت عموم این جرائم^۲ نیز وابسته به عامل مکان (معماری) نیستند، اما به دلیل روئیت پذیری عموماً پایین، گزارش دهی پایین و رقم سیاه بالا جرائم آپارتمانی نام گرفته‌اند، بنابراین معماری ایرانی تأثیر مهم و بسیار محسوس بر این گونه جرائم ندارد. بنابراین در حوزه‌ی جرائم جنسی یا جرائم سازمان یافته‌ی جنسی یا انتشار تصاویر و فیلم‌های مستهجن (منافی عفت‌های مجازی)، معماری، به تنهایی نمی‌تواند تأثیر گذار باشد زیرا این جرائم به صورت لایتکثر در عموم فضاهای مجازی که البته نیازمند به مکان و زمان خاص نیستند وجود دارند.

پیشنهادها

۱- آگاهی قانون گذار از تأثیر پذیری جرائم منافی عفت از معماری‌های امروز و بیان ویژگی‌های اصلی و موثر این شکل از معماری (معماری ایرانی اسلامی) توسط جرم‌شناسان، معماران و جامعه‌شناسان محترم. در این راستا ایده‌ها و فراخوان مقام رهبری نیز می‌تواند الگوی چاره‌اندیشانه‌ی مناسبی جهت آشنایی با خط و مشی راه باشد. در نتیجه تصویب قوانین لازم‌الاجراء و قطعی پیرامون آگاهی بخشی و الزام آوری معماران به ساخت منازل متناسب با فرهنگ و خواست مردم برای جلوگیری از قربانی شدن بانوان کشور، بسیار راهگشاست.

۱- با تأثیر بر عنصر معنوی تشکیل دهنده‌ی جرم

۲- جرائم سازمان یافته با اهداف مالی

۲- سیاست گذاری‌های بلندمدت در ارتباط با طراحی محیطی ایرانی به خصوص در زمینه سلامت اجتماعی، جنایی و امنیتی برای بانوان و تدوین ساز و کارهای مورد نیاز شهرسازی کشور و نظارت بر اجرای آن که این نظارت در مرحله‌ی اجرا به دو صورت می‌تواند باشد: ۱- نظارت دستگاه‌های متولی شهرسازی. ۲- افزایش حساسیت و نظارت‌های صاحبان ساختمان‌ها بر ارائه‌ی طرح‌هایی که از سوی متولیان امر برای ساخت یک فضای مسکونی ارائه می‌دهند.

۳- باید آیین نامه‌های موجود در شهرداری‌ها و دیگر سازمان‌های متولی این امر تصحیح شوند به طوری که که با قوانین تصویبی قانون گذار در تعارض نباشند و گریز از قانون در این راستا وجود نداشته باشد. از طرفی در این قوانین، حقوقی مسلم برای بانوان در نظر گرفته شود که عدول از آن حق اعمال شکایت را برای ایشان محفوظ نگاه دارد و از سوی دیگر، احیای معماری ایرانی، جلوگیری از واردات بی رویه و بی دلیل مصالح و مواد ساختمانی خارجی به کشور و در نتیجه خارج نشدن ارز از کشور را باعث خواهد شد. ۴- روند شهرسازی‌های جدید باید تامین تجهیزات و ساخت فضاهای مسکونی و مورد نیاز بانوان را اولویت قرار دهد، نتایج اسف بار بی توجهی به این مورد نیز خود راه گشای قاچاق بی رویه‌ی محصولات ساختمانی به کشور و یا خارج از کشور است. اگر جامعه‌ی امروزی ما به خصوص قوه‌ی قضاییه‌ی کشور به دنبال پیشگیری از جرائم منافی عفت و اعمال حق بانوان است و وجود این بزهکاری را در عوامل مختلف می‌بیند باید بداند که یکی از راه‌های اصلی و تاثیر گذار در این زمینه نگاه به معماری ایرانی و نظارت بر ساخت و سازهای امروز است که این شکل از معماری به طور مستقیم و غیر مستقیم هر دو نوع از پیشگیری را به خوبی در خود جای داده است. بدین معنا که پیشگیری اجتماعی از طریق ترویج آداب و رسوم و افکار صحیح عمدتاً به شکل غیر محسوس به دنبال کاهش بزهکاری است، استفاده از ابزار مختلف معماری و ترویج برخی عقاید دینی و ملی در طرح نگاره‌های معماری ایرانی و حتی شکل ساختمان به شکل نامحسوس به دنبال انتقال مفاهیم و فرهنگ ایرانی به جامعه و جامعه پذیر کردن مخاطبان خود است.

References

1. The Holy Quran
2. Eshaghi, Mohammad (1382), "Sexual Harassment of Women in a Legal Investigation", Women's Book Quarterly, No.20.
3. Ehsani Bahman (1389). "The Role of Environmental Design in Crime Prevention", Essays of the First National Conference on Crime Prevention, Office for Applied Research of NAJA Prevention Police.
4. Arzhmand Mahmoud, Khani Somayeh (1391), "The Role of Privacy in the Architecture of Iranian Home Style", Islamic-Iranian City Studies Quarterly, 2nd Period, No.7.
5. Obrian, Martin, Yar Majid (1394), "Criminology (Key Concepts)", Translated by Seyed Mahmoud Mir Khalili and Jalaledin Hesani, Bahrami Publications, N.7.
6. Bani Masoud, Amir (1388), "Iranian Contemporary Architecture (Struggling between Tradition and Modernity)", Tehran, Century Architecture Art Publications, 2nd Edition.
7. Boroumand Maryam, Rezaie Solmaz (1395), "Assessing the Functions of Women's Parks in Elevating Gender Justice in Islamic Cities (Case Study: Azadegan Mother Park, District 15, Tehran City)", Women's Studies, Center for Humanities and Cultural Studies, 7th Year, No.2.
8. Bayat Naser, Pour Gholami Mohammad Reza, Esanlou Ali, Talebian Kia Kelayeh Fatemeh (1397), "Fear of Crime in Urban Public Atmosphere: Case Study On Women and family Society, Tehran Municipality Zone 12", Social-Law Enforcement Studies Magazine, 6th Period, No.1.
9. Pour Ghahremani, Babak, Ali Zadeh Same, Sonia (1393), "Crime Reduction through Islamic Architecture Promotion", 2nd International Congress on Construction, Architecture, and Urban Development, Silvika Science Source, Code ICSAU020965-, Tabriz, 5.
10. T. Hall, Edward (1390), "The Hidden Dimension", Trnaslated by Manouchehr Tabibian, Tehran University Publications, Tehran.
11. Javan Jafari Bojnourdi Abdol Reza, Shahideh Farhad (1393), "The Role of Victimized Women in Committing Sexual Crimes (Emphasizing Criminal Laws and Regulations and Judicial Procedures of Iran)", Criminal Law Studies, 2nd Year, No.7.

12. Chermayof, Serj, Alexander Chrestopher (1376), "Group Life and Private Life Areas Towards a Humanitarian Architecture", Tehran University, 3rd Edition.
13. Khamoushi Tahereh (1387), "The Role of Urban Design in Establishing Safe Public Atmosphere in line with Reducing Social Anomalies", M.S Thesis, Tehran Teacher Training University.
14. Davari Mohammad, Salimi Ali (1380), "Deviation Sociology", Tehran, University and Seminary Publications, 1st Edition.
15. Doagouyan Davoud, Habib Zae Maleki Ashab (1392), "Adaptive Investigation of Effective Factors in Committing Vice Crimes Among Young People: Case Study on two Youngsters and Criminals of Tabriz Town 1391", Eastern Azarbaijan Police Science Quarterly, 3rd Edition, No.4 (Consequitive 11).
16. D. Mit, Trans, Mac Karel Richard C and Lisvan Sheli J (1391), "Criminal Rprofiling", Translated by Ali Najafi Tavana and Ayoub Milki, Sangesh and Danesh Publications, 1st Edition.
17. Rahmat Mohammad Reza (1390), "Crime Prevention Through Architecture and Urban Development", Tehran, Mizan Publications, 2nd Edition.
18. Rostami Tabrizi, Lamiya (1388), "The Impact of Urban Design and Natural Factors on Crime Prevention", Presented in New Approaches of Crime Prevention Book, Proceedings of Scientific-Applied Conference on Crime Prevention, Mashhad.
19. Hekmat Studies Center Website, "Science and Technique of Urban Development and Islamic Iranian Architecture, Architectural Queries Section, Lates Update on Monday Aban 11, 1394, 12:50
20. SEyed Zadeh SAni, Seyed Mehdi, Jalali Mohadaseh (1394), "Investigating Legal Criminalizing Settings in Mehr Housing Project Regarding Environmental Design Principles of Crime Prevention", Khorasan Judiciary, Bar Association Quarterly.
21. Seifian Mohammad Kazem, Mahmoudi Mohammad Reza (1386), "Privacy in Iranian Traditional Architecture", Urban Identity Magazine, 1st Year, No.1.
22. Seifi Ghare Bagh Yatagh, Davoud, Mehdi Pour Mohammad and Kandouri, Amir (1394), "Comparison of the Efficacy of Modern Architecture and Islamic Iranian Architecture from Crime Prevention Based on Environmental Design Principles", First Especialized Conference on Iranian Architecture and Urban Developmen, page 2191.

23. Shakeri Abol Hasan (1382), "Judiciary and Crime Prevention", Proceedings Regarding Judiciary and Crime Prevention, Judiciary Publications, 9, Tehran.
24. SALEHI Esmail (1387), "Environmental Features of Safe City Spaces", Center for Iranian Urban Development Studies and Research, Tehran.
25. Safaie, Husein (1370), "Basic Civic Laws Course", Tehran, Mizan Publications.
26. Atazadeh Saied, Mir Khalili Seyed Mahmoud, Haji Abadi Mohammad Ali, Najfi Abrand Abadi Ali Husein, Shams Nateri Mohammad Ebrahim (1394), "Investigations in Individuals' Location Privacy with Ethical Approach of Security", Criminal and Intelligence Studies Quarterly, 10th Edition, No.4.
27. Atashaneh Mansour, Basiri Nia Abolhasan, Ebrahimin Nasab Yousef (1391), "Investigating Causes and Factors of Sexual Crime Traces against Women from Iran's Criminal Laws Perspectives", Women and Culture Scientific-Research Quarterly, 3rd Year, No.11.
28. Fatollahi Siamak, Tondar Amir (1395), "Police Authority in Reacting to Vice Crimes", Police-Legal Studies Quarterly, 1st Year, No.2.
29. Feiz Ali Reza (1369), "Symmetry and Comparison in Islamic Penal Laws", 1st Edition, Crime and Criminal, Tehran, Islamic Guidance Ministry Publications.
30. Ghiasi Jalal (1385), "Adaptive Study of Public Penal Law", 1st Vol., Ghom, University and Seminary Research Center, 2nd Edition.
31. GHodsi Seyed Ebrahim, Pour Zarin Ali (1383), "Criticism and Investigation of Article 637 of Islamic Punishment Law", Social and Humanitarian Sciences Research, 3rd Year, No.9.
32. Lang John (1390), "Creation of Architectural Theory, Role of Behavioral Sciences in Environmental Design", Translated by Ali Reza Eini Far, Tehran University, Tehran.
33. Housing and Urban Planning Magazine (1388), Iranian Student News Agency, Available at : <http://isna.ir/isna/NewsView.aspx?ID=News>
34. Moradi Farzaneh (1390), "Investigating the Relationship between Housing Status and Crime Perpetration in the Future (Case Study, Arak Town)", Crime Prevention Studies Quarterly, 6th Year, No.21, Page 128.
35. Marsousi Nafise, Safar Ali Zadeh Esmail, Husein Zadeh Robab (1393), "The Role of Environmental Design in Urban Crime Prevention, Case Study: Isfahan Central Part", Urban Ecology Studies Bi-quarterly, 5th Year, No.2, Consecutive 1.

36. Mohammad Nasl Gholam Reza (1393), "Crime Prevention General Points", Tehran, Mizan Publications, 1st Edition.
37. Mahmoudi Janaki Firouz, Ghorchi Beigi Majid (1381), "Role of Environmental Design in Crime Prevention, Law Quarterly, 39th Period, No.2, School of Law and Political Sciences, Tehran University.
38. Malek Mirzaie Samira, Kazemi Seyed Sajad, Darabi Shahradd (1397), "The Impact of Urban Architecture on Street Crimes (Emphasizing Islamic Architecture)", Karagah Quarterly, 11th Year, No. 43.
39. Moazen Zadegan Hasan Ali, Salehi Fereshteh (1397), "Situational Prevention from Violence against Women", Crime Prevention Studies Quarterly, 13th Year, No.47.
40. Mir Khalili Mohmoud (1387), "Urban Development and the Necessity of Situations Prevention from Delinquency", Law Quarterly, 38th Period, No.3.
41. Mirzakhani Abdol Rahman, Darvishi Sayad, Mirzakhani Parisa (1396), "Investigating Safe Design Features in Iran's Traditional Architecture and CPTED Approach in Crime Prevention", Crime Prevention Scientific-Promotional Quarterly, 12th Year, No.43.
42. Mirfardi Abdollah, Razavi Seyed Ahmad (1396), "The Role of Urban Architecture in Crime Perpetration with Post-Modern Criminology", Political Sciences Studies of Religion and Law Magazine, 3rd Period, No ¼.
43. Parsianes Iran Zamin Scientific Institute (1385), www.aftab.ir/articles/health-therapy, Safar Zadeh Sahar (1388), "Delinquent Woman and the Pertinent Personality and Cultural Factors, 1st Period, N0.1, Page 85.
44. Najafi Abrand Abadi, Ali Husein (1379), "Remarks of Criminology Lesson", Teacher Training University, Doctoral Course.
45. Yaghoub Zadeh Karim (1395), "Islamic Criminal Law Towards Delinquency Masking", Guided by Seyed Darid Mouavi Mojab, M.S Thesis, Teacher Training University.
- 46- Colomna, B. (1992) sexuality and space. newyork:princeton architectural press.
- 47- wallis, a., and ford, d. (eds). (1980b). crime prevention through environmental design: the commercial demonstration in porthand, or. Washington, dc: us. dept. of justice, national institute of justice.
- 48- Wekerle, Gerda R. (2002). Gendered Space of a Pluralistic Citizenship in Democracy, Citizenship and the Global City, Reutledge, London.

The Impact of Islamic-Iranian Architecture on Vice Crimes (Particular Attention to Women)

Samira Malek Mirzai, Seyad Sajad Kazemi

Abstract

This research deals with the impact of Islamic-Iranian architecture on vice crimes and three main questions have been answered: the impact of Islamic-Iranian architecture on vice crimes on women, Efficacy of this kind of architecture on two kinds of these crimes and its impacts on sexual organized crimes. In regards to the subject being interdisciplinary, architectures' and criminologists' views have been put into use and different articles and books have been utilized in a descriptive-analytical way, as well. The research findings showed that the Iranian architectues has a discernible impact on the prevention of vice crimes and setting aside the culture and methods of construction of our own architecture brings about crimes.

Lack of attention to various fields have caused today's architecture to put women an a supply stand in the demand market on the display of the society. Not observing the impressive parameters of the Iranian architecture can contribute to voyeurism and lust and as a result, setting the stage for promoting prostitution and vice crimes directly and indirectly.

Key Words: Crime, Vice Crimes, Prevention, Women

...